



می شود نگاهی متفاوت به سبزشدنی ساده داشت؛ ضمیر ناخود آگاه من به دنبال توست

عاطفه خاص، بانوی هنرمندی است
که شاخه‌ای جدید از هنر را دنبال می‌کند
هنری که نگاهی غیرمتعارف به طبیعت دارد

نگاه زنانه به هنر محیطی

ساده‌ای داشتیم که اثرش در زندگی امروز هم دیده می‌شود، حتی در کارهایم. یعنی آن ذهنیت ساده دوران کودکی هنوز هم در من باقی مانده.»
روزهایی که پایه‌های کار و هنر امروز او را ساخته اند: «پدرم بازنشسته وزارت بهداشت است و مادرم هم خیاط؛ یکی از چیزهایی که روی من تأثیر گذاشت، طرز فکر مادرم در انجام کارهای دستی بود، با این که مادرم خیاطی می‌کرد اما دیدی که نسبت به کارهای دستی داشت آنقدر وسیع بود که خلاقیت جالبی را در کارهایش به وجود می‌آورد. از آن طرف پدرم هم علاقه زیادی به سرهم کردن چیزها در خانه داشت؛ همیشه وسیله‌های مختلفی از دل این سرهم بندی‌ها به وجود می‌آمدند. من در این محیط رشد کردم و همه این رفتارها روی من تأثیر گذاشت. البته نه تنها من که برادر و خواهرم هم به نحوی از این روحیه تأثیر گرفته‌اند.»
شاید به همین دلیل است که عاطفه برای نخستین

عاطفه خاص فارغ‌التحصیل کارشناسی نقاشی از کارشناسی ارشد پژوهش هنر است. با این حال حوزه تخصصی‌اش در تمام این سال‌ها هنر محیطی بوده و در بیش از سی جشنواره هنر محیطی در شهرهای شوشتر، اصفهان، ارومیه، قزوین، سمنان، نوشهر، پلور و جزیره هرمز شرکت کرده. اما این تمام ماجرا نیست، آثار این بانوی هنرمند در بسیاری از نمایشگاه‌ها و جشنواره‌های بین‌المللی مانند کانادا، آمریکا، بلژیک، رومانی، کره جنوبی، یونان، فرانسه، بلغارستان، نیپال و لهستان هم به نمایش درآمده است.
هنرمندی که خودش معتقد است یک دهه شخصی واقعی است و در شناسنامه‌اش ۲۵ آذر ۶۴ به عنوان تاریخ تولد ثبت شده است: «دنیای کودکی من مثل بیشتر بچه‌ها دنیای خوبی بود. دنیایی ساده پر از بازی و شیطنت. البته نه بازی‌هایی که بچه‌های امروز دارند. آن روزها من هم مثل خیلی از هم‌سسن و سال‌هایم با وسطی و گل کوچک خودم را سرگرم می‌کردم. دنیای

مینا مولایی
ایستاده است بارها روی شن‌های خیس یک ساحل، زیر سایه یک درخت، کنار یک صخره، از روشنایی صبح تا وقتی که آفتاب نفس تنگ می‌کند پشت کوه‌ها، تا تاریکی شب. پیش رویش همیشه خاک بوده و سنگ، باد بوده و آب، درخت بوده و برگ، نور بوده و انسان. معجزه کرده است با دست‌های خالی، جان داده است به سنگ‌های بی‌جان، برگ‌های خشک، خاک‌های سرد. دل نگران است، دل نگران زمین، دل نگران طبیعت. بهانه‌ای که باعث شده با چشم دل دنیای اطرافش را ببیند، دور و برش را دقیق‌تر نگاه کند و کارنامه‌اش پر باشد از آثار بزرگ و کوچکی که یک عنوان اختصاصی را برایش به ارمغان آورده‌اند: هنرمند محیطی. «عاطفه خاص» حالا مدت‌هاست که به عنوان یکی از هنرمندان محیطی کشورمان شناخته می‌شود؛ هنرمند جوانی که یکی از آثارش در تقویم هنر محیطی سال ۲۰۱۵ گروه یاتو در کره جنوبی به چاپ رسیده، موفقیتی که بیش از هر چیز مدیون خلاقیت و جسارت در کارهایش است. برای همراه شدن با این هنرمند فقط کافی است چشم‌هایتان را بشوید و جهان را جور دیگر ببینید.



▲ تصویری از مجموعه انعکاس؛ جایی که می خواهیم نشان بدهم انسان و طبیعت انعکاسی از همدیگر هستند.

ادامه حرف‌های عاطفه خاص را از دست ندهید: «از نظر من وقتی یک انسان به طبیعت می‌رود، چیزی که می‌خواهد تجربه کند بازگشتش به طبیعت است، هنرمحیطی هم در این بین تلاشی است با یک دید خلاقانه‌تر برای بازگشت به طبیعت، در حقیقت هنرمند نگاه جدیدی دارد به رابطه خودش و طبیعت یا حتی آشتی بقیه انسان‌ها با طبیعت. چون در نهایت همه انسان‌ها از حضور در طبیعت لذت می‌برند و به آرامش می‌رسند.»

اما طبیعتی که شاید برای خیلی‌ها تعریفی مشترک و ساده داشته باشد، برای این بانوی هنرمند معنا و مفهومی بزرگتر دارد: «برای من طبیعت جایگاهی برای الهام هنری و مکانی برای پیدا کردن خود است. معتمد این انسان است که در کنار طبیعت معنا پیدا می‌کند. چون از دل طبیعت برخاسته و دوباره به آن بازمی‌گردد. تمام چالش‌های زندگی این انسان، تمام دلمشغولی‌ها و گرفتاری‌هایش می‌تواند برای لحظاتی هرچند کوتاه در طبیعت به دست فراموشی سپرده شود. شاید به همین دلیل است که سفر کردن، جستن طبیعت، دوری از زندگی شهری، انسان و طبیعت، همه و همه از موضوع‌هایی هستند که در آثارم به آن‌ها می‌پردازم.»

■ از کلاه گیس تا آینه

آلبوم کارهای عاطفه را که ورق بزنید، زنی را می‌بینید با موهای کاموایی بافته شده تکیه داده به درخت، زنی که آینه‌ای در مقابلش گذاشته؛ آینه‌ای پر از تصاویر مختلف، تکه موهایی که جزئی از طبیعت شده‌اند، گندم‌هایی که رشد کرده‌اند و قد کشیده‌اند جایی که فکرش را هم نمی‌توانید بکنید و...

کارهای جالبی که خیلی‌هاشان از دل یک دفترچه کوچک جیبی بیرون آمده‌اند: «من یک دفترچه کوچک دارم به اسم دفترچه ایده‌ها که هر چیزی را که به ذهنم می‌رسد در آن می‌نویسم، فرقی نمی‌کند در چه شرایطی باشم، در اتاقم، یا در کوچه و خیابان‌های شهر. سعی می‌کنم ایده‌هایی را که به ذهنم می‌رسد یادداشت کنم. وقتی بعداً دوباره این دفترچه را ورق می‌زنم، تصمیم می‌گیرم که بعضی‌هاشان را حتماً اجرا کنم، به خاطر همین مواد و متریال مورد نیازشان را تهیه می‌کنم.»

اما این همه ماجرا نیست، خیلی از کارهای این هنرمند و البته بقیه هنرمندان محیطی فی‌البداهه است: «خیلی وقت‌ها هم وقتی در طبیعت قرار می‌گیرم، ایده اجرای کاری خیلی فی‌البداهه و در لحظه به ذهنم می‌رسد، نمی‌توانم بگویم این بهتر است یا آن. اما فکر می‌کنم آن چیزی که در طبیعت و ناگهانی به ذهن هنرمند راه پیدا می‌کند، همان ارتباطی است که هنرمند از محیط طبیعی اطرافش می‌گیرد و به هنر محیطی می‌تواند نزدیک‌تر باشد.»

■ جنسیت زنانه من

بین کارهای متنوع عاطفه خاص، مجموعه کلاه گیس جزو معروفترین‌هاست؛ کاری که خودش معتقد است خیلی فی‌البداهه شروع کرده: «بین کارهایم پرفورمنسی دارم به اسم کلاه گیس، واقعیتش این است که این ایده در ابتدا خیلی فی‌البداهه بود و من واقعاً به عنوان یک زن وارد این کار شدم، می‌خواستم ارتباطی که یک زن می‌تواند با طبیعت داشته باشد را نشان بدهم. مطالعاتی هم درباره مادر زمین داشتم و نقش مؤنثی که زمین در اسطوره‌ها دارد شاید همین مطالعات هم در شکل‌گیری طرز تفکر من تأثیرگذار بود. من در تمام کارهای این پرفورمنس با یک نقش زنانه حضور دارم، حتی یک مجموعه دارم به اسم مو که در آن موهای خودم را که کوتاه کرده‌ام در قسمت‌هایی از طبیعت جایگزین می‌کنم، این جا هم این شخصیت زن توالی‌اش را نشان می‌دهد. قاعدتاً همه ما تحت تأثیر آن چیزی هستیم که به عنوان جنسیت برای ما تعریف شده، من هم این جنسیت را نه نمی‌می‌کنم، نه می‌خواهم تغییر بدهم و نه پنهانش می‌کنم. این زنانگی بخشی از وجود من است که در کارهایم هم خودش را نشان می‌دهد. حالا یک وقت‌هایی ناخودآگاه اتفاق می‌افتد و یک وقت‌هایی خودم می‌خواهم این زن دیده شود.»

■ انعکاس من

در تقویم هنرمحیطی ۲۰۱۵ گروه یاتو که یکی از معروف‌ترین گروه‌های هنرمحیطی دنیا به‌شمار می‌روند یکی از آثار عاطفه خاص انتخاب و کار شده است؛ اثری با عنوان انعکاس از مجموعه انعکاس: «کاری که من در این تقویم دارم تابستان امسال و در جنگل ابر اجرا شده، در واقع من مجموعه‌ای دارم با عنوان انعکاس که



▲ کلاه گیس از بافته های رنگین را به سر می گذارم و خودم را با طبیعت یکی می کنم.



▲ نور زشتی و پلیدی را پاک می کند و زیبایی را انعکاس می دهد؛ من به دنبال این نورم

زیر مجموعه‌های مختلفی دارد که یکی از آن‌ها با عنوان «انعکاس من» شناخته می‌شود و به نحوی تأثیر من بر محیط و تأثیر محیط بر من را نشان می‌دهد. بیشتر این کارها در طبیعت اجرا شده‌اند، بجز کاری که بک‌گراند فضا، پر از زباله است.»

اسا چرا انعکاس؟ جواب را از زبان خود این بانوی هنرمند بشنوید: «انعکاس و نور همیشه برای من جذاب بوده. برای من انعکاس یعنی معنایی از دیده شدن نور و نور یعنی عامل این دیده شدن. این نور است که هرگونه زشتی و پلیدی را پاک می‌کند و زیبایی را انعکاس می‌دهد. البته شاید نخستین چیزی که از مفهوم انعکاس به ذهن همه ما می‌رسد نور باشد. اما مفهومی که در ذهن من است فراتر از نور است. مثلاً انعکاس صدا که در موزه هنرهای معاصر اصفهان اجرا کردم. یا انعکاس وجود که منظوم این است که چیزی که در طبیعت می‌بینید همان انعکاس وجود شماست.»



▲ چیدمان مارویله با ابعاد ۳متر در ۳متر؛ ۳ هفته طول کشید تا این اثر را در کشور کره جنوبی بسازم.

اصرار داشتند با دیپلم ریاضی یا تجربی به دانشگاه بروم، اما من رشته گرافیک را انتخاب کردم و به هنرستان رفتم. پایه اصلی فکرم از نظر دید هنری و رنگی در همان دوران ساخته شد.»

■ بازگشت به طبیعت

عاطفه خاص در دانشگاه با یک تغییر رشته از گرافیک به نقاشی رفت اما در همین روزها بهترین اتفاق زندگی‌اش رخ داد: «در دوران دانشگاه به واسطه استاد احمد نادعلیان که در دانشگاه ما تدریس می‌کردند، با هنر محیطی آشنا شدم و یک بخش دیگری از زندگی و فعالیت هنری من در این برهه اتفاق افتاد، از همین جا فهمیدم که چقدر ذهنیت من بیشتر به سمت آثار سه بعدی و خلق در محیط است و این کارها در من رضایت بیشتری ایجاد می‌کند. به خاطر همین این رشته را دنبال کردم و استارت جدی‌تری کردم در هنر محیطی در سال ۸۴ خورد.»

اگر دوست دارید هنر محیطی را بهتر بشناسید،

بار در ۱۲ سالگی تصمیم گرفت یک هنرمند شود: «تازه دوره راهنمایی را شروع کرده بودم، آن موقع یونسکو همیشه مسابقه‌های نقاشی مختلفی را برای بچه‌های نوجوان ترتیب می‌داد، من خیلی پیگیر این مسابقه‌ها بودم و حتی یادم است با این که از نظر درسی خیلی مقید بودم که حتماً سرکلاس حاضر شوم اما به خاطر این که کارم را به این مسابقه برسانم یک روز مدرسه نرفتم و نشستم خانه و روی نقاشی‌ام کار کردم. همانجا بود که برای نخستین بار تصمیم گرفتم وقتی بزرگ شدم هنر را دنبال کنم. هنوز یادم است که به خودم گفتم من دوست دارم کاری که انجام می‌دهم خلاقیت ذهنی خودم باشد.»

همین علاقه عاطفه را به مسیر دیگری در دوره تحصیل هدایت کرد؛ هنرستان و رشته گرافیک: «علاقه‌ام به هنر آنقدر زیاد بود که ناخودآگاه به این سمت جذب شدم، آن موقع ذهنیت خوبی نسبت به هنرستان وجود نداشت، چون درس خوب بود خانواده‌ام